

آزادی از دیدگاه امام خمینی

چکیده

در این نوشتار، ابتدا مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی تحلیل می‌شود. سپس دیدگاه امام(ره)، درباره فاعل، مانع و هدف آزادی تبیین و نقش برخی از نهادها در تأمین و حفظ آزادی، بررسی می‌شود. نهادهایی مانند:

۱. حکومت: البته حکومتی می‌تواند آزادی‌های مشروع و قانونی افراد جامعه را تأمین و حفظ کند که حکومتی قانون‌گرا، عدالت‌محور و غیره باشد.
۲. نهاد خانواده: خانواده‌ها برای ایجاد حس آزادی‌خواهی فرزندان باید از همان دوران کودکی، اعتماد به نفس را در آنان ایجاد و تقویت کنند و آنان را افرادی با ایمان و مستقل بار بیاورند. در این صورت است که آنان هیچ‌گاه زیر سلطه اجانب نخواهند رفت و در راه آزادی کشور، حتی جان شیرین خود را فدا می‌کنند.
۳. نهاد تعلیم و تربیت: فرزندانمان باید از طریق نهادهایی، چون مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های گروهی بیاموزند که آزادند و در عین حال، یاد بگیرند و تکرار و تمرین کنند که آزادی را حداقل یک بار در دوران تحصیل در جامعه با نظارت معلمان و اساتید تجربه کنند. البته اگر مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های گروهی و به طور کلی، همه عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت در راستای هم و به صورت مکمل در یک برنامه عمل کنند، محصول آن تقویت روحیه آزادی‌طلبی و تولید فرهنگ خواهد بود.
۴. نهاد دین: امام بر این باور است که اسلام برای تمام زوایای زندگی بشر، از جمله آزادی انسان‌ها، دستوراتی دارد. با دین است که انسان‌ها می‌توانند به آزادی حقیقی دست یابند.

واژه‌های کلیدی: آزادی، امام خمینی، حکومت، خانواده، دین، تعلیم و تربیت.

مقدمه

آزادی، یکی از طبیعی‌ترین حقوق انسان است که خداوند همزاد با وی آفریده است. رشد و کمال انسان‌ها همواره در بستر آزادی تحقق یافته است. اندک محدودیت‌های رفتاری و گفتاری انسان‌ها در جوامع نیز در چارچوب آزادی انسان قابلیت پذیرش دارد و از منطقی استوار بهره‌مند است. امام خمینی، یکی از پرفروغ‌ترین چهره‌های مبارزات آزادی‌خواهانه است که در زمان ما ظهور کرده است. او مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران را در برابر رژیم شاهنشاهی بر پایه‌های تفکر دینی هدایت و رهبری کرد و بر همین اساس بود که پس از سقوط رژیم استبدادی بی‌درنگ از مردم خواست که آزادانه نظام مورد قبول خود را انتخاب کنند. در میدان اندیشه، امام بر اساس آموزه‌های دین اسلام به بیان مفهوم آزادی پرداخت؛ بنابراین، آزادی یکی از مفاهیم اساسی در اندیشه سیاسی وی قلمداد می‌شود.

نگارنده در پی پاسخ به این پرسش است که آیا از دیدگاه امام، نهادها می‌توانند در ایجاد و حفظ آزادی مؤثر باشند؟ فرضیه این است که نهادها می‌توانند در ایجاد و حفظ آزادی نقش داشته باشند. در این راستا، ابتدا به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی(ره)، می‌پردازیم و سپس نقش برخی از نهادهایی را که در تحقق و تضمین آزادی از دیدگاه امام(ره) مؤثرند، بررسی می‌کنیم. در پایان هم جمع‌بندی‌ای از مباحث ارائه می‌دهیم.

مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی

مفهوم آزادی، از واژگانی است که اندیشمندان و نظریه‌پردازان، تعبیر و برداشت‌های گوناگون و در عین حال مشترکی ارائه داده‌اند. این مفهوم واحد و مشترک، بر اساس تحلیل مفهوم آزادی و عناصر و مؤلفه‌های آن به دست می‌آید. اگر بخواهیم چنین تحلیلی را از آزادی مطرح کنیم، به مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌رسیم که عبارت است از:

۱. فاعل: منظور از این مؤلفه، شخصی است که متصف به بود یا نبود وصف آزادی است. در پاسخ به پرسش «آزادی چه کسی؟» عنصر «فاعل» مطرح می‌شود.

۲. مانع: منظور از این مؤلفه، شخص، اشخاص یا اشیایی است که مانع برخورداری فرد دیگری از آزادی می‌شوند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که «آزادی از چه چیزی و یا چه کسی؟» در پاسخ به این پرسش، مؤلفه دوم (مانع) مطرح می‌گردد.

۳. هدف: منظور از این مؤلفه، قصد و غرضی است که فرد برای انجام آن نیازمند برخورداری از آزادی است و یا حقوقی است که برخورداری از آنها، هدف اساسی فرد است. در اینجا این مؤلفه در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود که «آزادی برای چه؟».

همان گونه که ملاحظه می‌شود، مفهوم آزادی دارای سه مؤلفه فاعل، مانع و هدف است و بر این اساس، می‌توان آزادی را این گونه تعریف کرد: «آزادی فرد یا افرادی از قید فرد یا افراد دیگر برای انجام دادن رفتاری خاص و یا برخورداری از حقوق اساسی خود». این تعریف و تحلیل مفهومی مبتنی بر دیدگاهی است که یکی از نویسندگان غربی به نام مک کالوم^۱ طرح و گسترش داده است. وی بر این باور است که مفهوم^۲ آزادی، واحد می‌باشد، اما برداشت‌ها^۳ آن، متعدد است. از نظر وی، این برداشت‌ها بر اساس تأکید بر مؤلفه‌های سه‌گانه و یا برخی از آنها شکل می‌گیرد.

با توجه به آنچه گذشت، این پرسش مطرح می‌شود که مؤلفه‌ها و عناصر اساسی آزادی در اندیشه امام خمینی چیست؟

مؤلفه‌های آزادی از دیدگاه امام خمینی

الف. فاعل آزادی

همان گونه که اشاره شد، منظور از «فاعل» شخصی است که دارای وصف بود یا نبود آزادی است که می‌توان آن را این گونه تعبیر کرد:

«الف آزاد است یا آزاد نیست». در این عبارت «الف» مؤلفه اول آزادی محسوب می‌شود. حال در این قسمت، با توجه به اندیشه امام خمینی (ره)، به دنبال توصیف ویژگی‌هایی هستیم که برای انسان به عنوان فاعل آزادی بیان شده است. از این رو، لازم است که دیدگاه امام خمینی (ره)، درباره انسان و ویژگی‌های آن بیان شود.

انسان از دیدگاه امام خمینی (ره)

اندیشمندان برای شناخت انسان به شیوه‌های مختلفی روی آورده‌اند و هر گروهی او را بر اساس هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خاصی مورد بررسی قرار داده است. انسان‌شناسی امام (ره)، در واقع بخشی از هستی‌شناسی اوست؛ چرا که وی انسان را در کلیت هستی و به عنوان بخش اساسی آن مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین معنا که نگاه وی به ماهیت انسان، ابعاد وجودی، دامنه حیات و زندگانی او به جایگاه کلی او در هستی ارتباط می‌یابد، زیرا در این نگاه، انسان به عنوان آفریده خداوند متعال در نظر گرفته می‌شود که به دلیل برخورداری از قوه ناطقه و عقل، توان اندیشیدن و با توجه به برخورداری از آزادی، توان گرفتن تصمیم و انتخاب راه را دارد؛ بنابراین، ایشان خود انسان را اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها، موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌ها، رهایی و رستگاری اخروی، و سعادت و شقاوت می‌داند (جمشیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱-۱۶۲).

انسان از دیدگاه امام خمینی (ره) دارای ویژگی‌های متعددی است که مهم‌ترین آن - که به نوعی در ارتباط با آزادی انسان است - عبارت است از:

۱. **انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است:** انسان عصاره همه موجودات و اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند بر روی زمین است. انسان تنها موجودی است که با دو وجه جمال و جلال خداوند به خلقت راه یافته است و سپس خالق هستی به این

خلقت خود بر خویش مباحثات نموده و **فتبارک الله احسن الخالقین** می‌گوید. در روایات معصومین آمده که انسان تنها موجودی می‌باشد که بر صورت خداوند آفریده شده است: «**لله خلق آدم علی صورته**» (همان، ص ۱۶۴). پس از آنجایی که انسان به صورت خداوند خلق می‌شود، صاحب عقل و شعور است و جانشین تکوینی و نه اعتباری او در زمین می‌شود؛ بنابراین، انسان نیز همانند آفریدگارش دارای اختیار، قدرت و آزادی خواهد بود و هیچ امری به طور تکوینی و فطری نمی‌تواند آزادی او را مخدوش کند. (اخلاقی و شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

۲. انسان دارای نفس ناطقه و گوهر عقل است: خداوند انسان را به گوهر عقل و اندیشه مزین ساخته و در او نفس ناطقه قرار داده است. تعقل و اندیشه، جز بدون آزادی و اختیار تحقق‌پذیر نیست، چرا که آزادی شرط عاقل و خردمند بودن است (همان).

۳. انسان فطرتاً آزاد آفریده شده است: در دیدگاه امام خمینی (ره)، آزادی پیش از هر چیزی، حقی اولیه و فطری تلقی می‌شود. این حکومت‌ها و صاحبان قدرت نیستند که به مردم آزادی می‌دهند و یا آن را نادیده می‌گیرند؛ بلکه آفریدگار انسان، او را آزاد آفریده و اختیار و آزادی را در نهاد او به ودیعه گذاشته است. پس آزادی حقی خدادادی است که حکومت‌ها و صاحبان قدرت موظف به رعایت و پاسداری از آن هستند. امام (ره)، در رد یکی از سخنان محمدرضا پهلوی، شاه سابق ایران که مدعی شده بود به مردم ایران آزادی اعطا کرده است، این گونه بر می‌آشوبد: «این چه وضعی است که در ایران هست؟ این چه آزادی است که اعطا فرموده‌اند آزادی را؟! مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است... آزادی برای مردم است، قانون آزادی داده، خدا آزادی به مردم داده، اسلام آزادی داده... آزادی اعطایی که آزادی - حقیقتاً - نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۰۶-۴۰۷).

همچنین می‌فرماید: «... حق اولیه بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم، من می‌خواهم حرم آزاد باشد» (همان، ص ۵۱۰). بنابراین امام (ره)، آزادی را همچون بسیاری از فلاسفه و حکیمان، حقی اولیه برای عموم بشریت قلمداد می‌کند و بر همین اساس، آنان را برای گرفتن حق طبیعی‌شان، ترغیب می‌نماید.

تکیه‌گاه و استدلال امام در مورد حق فطری و طبیعی بودن آزادی برای نوع بشر، نص صریح اسلام، یعنی کتاب و سنت است؛ چرا که بر اساس قرآن، انسان **مطهرًا شاکرًا و اِملاً کفورًا** «(انسان، ۳) است. امام علی (ع) نیز می‌فرماید: **«ولا تکن غیرک و قد جعلک الله حراً»**؛ و هرگز بنده دیگری مباش، در حالی که حقیقتاً خداوند یکتا تو را آزاد قرار داده است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

در این دیدگاه، آزادی جعل خداوند و به صورت تکوینی است که ریشه در نهاد و ذات انسان دارد و مانند سایر احکام فطری از تمام احکام بدیهیه، بدیهی‌تر است، زیرا که در تمام احکام عقلیه حکمی که بدین گونه باشد که کسی در آن خلاف نکند و نکرده باشد، نداریم (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۱). آزادی بدین معنا مغایرتی با اراده و مشیت الهی نیز ندارد؛ چرا که در طول اراده و مشیت حق تعالی است و بر همین اساس، خواست انسان جزء خواست خدا نمی‌باشد و چنین اراده‌ای طبعاً مستقل از اراده الهی نیست. از طرف دیگر، به دلیل اینکه اراده‌اش در عرض اراده خدا قرار ندارد، مجبور و مقهور نیز نیست. همچنین در نگاه امام (ره) عواملی چون تفاوت انسان‌ها در تشکیل خانواده، محیط اجتماعی، وراثت و غیره نمی‌تواند مانع آزادی فطری و خدادادی انسان شود. به همین دلیل، ایشان انسان را به طور فطری یک موجودی آزاد می‌داند: «ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است...» (همو، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۴۲).

۴. انسان تعالی‌خواه و کمال‌جو است: «تعالی‌خواهی و کمال‌جویی بشر، جز با اختیار و حق‌گزینش وی نیست. از این رو، انسان انتخابگر، آزاد و با قدرت محاسبه و ارزیابی‌گری، راه را از بی‌راه باز شناخته و بهترین آن را برای خویش برمی‌گزیند» (واسعی، ۱۳۷۹، ص ۱). گرچه انسان، در میان دو مرز جبری (ولادت و مرگ) زندگی می‌کند و عناصر فعالی خارج از توان و اختیار وی، در او اثر می‌گذارند؛ اما هرگز وی در این قلمرو ناگزیر نیست و این خود بشر است که برمی‌گزیند (همان، ص ۲)، می‌سازد، به پیش می‌رود و یا در نشیب واپس‌گرایی و پستی در می‌افتد. عالم هستی نیز در راستای خواست بشری، همراهی و هم‌سوئی دارد و برای او و زمینه‌ساز پیشرفت و کمال است.

این ویژگی‌ها پایه و مبنای مستحکمی برای آزادی انسان فراهم می‌کند و بدین ترتیب، ویژگی‌های مؤلفه اول آزادی (فاعل) از نظر امام(ره)، روشن شد.

ب. مانع آزادی

مؤلفه دوم آزادی، «مانع» است. بر اساس تحلیل مفهومی که بیان شد، فرد در صورتی آزاد تلقی می‌شود که موانعی در برابر او نباشد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که از دیدگاه امام خمینی(ره)، فرد از دخالت چه موانعی باید رها باشد تا آزادی صدق کند؟ در اینجا به برخی از موانع آزادی انسان با توجه به بیانات و نقطه نظرات امام خمینی اشاره می‌کنیم:

۱. سلطه غیر

از دیدگاه امام(ره)، سلطه دیگری بر انسان، یکی از موانع آزادی انسان به شمار می‌رود. امام بارها به مسلمانان هشدار دادند که سلطه‌پذیر نباشند و زیر بار سلطه اجانب و ابرقدرت‌ها نروند. در اینجا به بیان چند عبارت ارزشمند آن بزرگوار در این مورد می‌پردازیم: «ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم، ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم. دستورات مذهبی که مترقی‌ترین دستورات است، راه ما را معین فرموده است. ما با آن دستورات و تحت رهبری بزرگ‌مرد دنیا، محمد(ص) با تمام قدرت‌هایی که بخواهند به مملکت ما تجاوز کنند، مبارزه خواهیم کرد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۱۹) و نیز: «دست اجانب باید کوتاه بشود، چقدر آمریکا باید از این مملکت ببرد و بخورد، یا انگلستان و سایر جاها؟ ما باید یک وقت هم زنده بشویم، بیدار بشویم، ملتفت بشویم، آزادی را بگیریم. حق را باید گرفت، با سر نیزه و مسلسل باید حق را از اینها گرفت، خودشان که نمی‌دهند، در مقابل اینها بایستید» (همان، ص ۷۵).

از منظر اسلام، سلطه و چیرگی دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری ناروا است، به طوری که اگر مبادلات و مراودات به گونه‌ای باشد که باعث توسعه نفوذ بیگانگان در جامعه اسلامی شود و به نحوی آنها بتوانند در امور مسلمانان دخالت نمایند، چنین مبادلات و مراوداتی ممنوع شده است. امام(ره) با استناد به آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی، سلطه‌ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند؛ **لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا**» (همان، ج ۴، ص ۳۱۷).

۲. هرج و مرج

یکی دیگر از موانع آزادی، هرج و مرج و بی‌نظمی است. امام(ره) در این باره می‌فرماید: «...اگر شما بخواهید مملکتان استقلال داشته باشد، آزادی در آن باشد، یک مملکت اسلامی باشد، اول چیزی که بر همه ما لازم است، این است که از هرج و مرج جلوگیری بکنیم. نباید هر کس صبح از خواب بلند شد، هر کاری دلش بخواهد بکند...» (همان، ج ۱۰، ص ۴۸۰-۴۸۱).

۳. رژیم دیکتاتوری (استبداد)

یکی دیگر از موانع آزادی، استبداد است. امام(ره) در این مورد می‌فرماید: «به تصدیق خود شما، خاندان پهلوی، یعنی شاه و پدرش بیش از پنجاه سال است که با دیکتاتوری بر ایران حکومت می‌کنند و با پشتیبانی قدرت‌های استعماری، از هیچ جنایتی به ملت ایران دریغ نکرده‌اند... هر گونه فریاد آزادی‌خواهی و اعتراض به دیکتاتوری را با سر نیزه خاموش کرده‌اند. قتل‌عام‌های مکرری در این پنجاه سال به دست این دودمان انجام شده است. آزادی به تمام معنی از مردم سلب شده است، هیچ گاه مردم حق انتخاب نداشته‌اند.

گویندگان و نویسندگان کشته شده‌اند و یا زندانی هستند و یا ممنوع از گفتن و نوشتن، ... و در یک کلمه تمامی مبانی بنیادی و دموکراسی را نابود کرده‌اند...» (همان، ج ۵، ص ۲۳۰).

امام (ره) در فرمایشات خود خاطر نشان می‌کند که ما پنجاه سال است که در اختناق به سر می‌بریم و از وسایل ارتباط جمعی بی‌بهره بوده‌ایم. در صورتی که اسلام با دیکتاتوری مخالف است و خداوند به کسی حق نداده است که به دیگری چیزی را تحمیل کند (همان، ج ۷، ص ۳۴).

۴. تعلقات درونی

تعلقات درونی، یکی دیگر از موانع درونی آزادی محسوب می‌شود. عامل مهمی که اراده و اختیار انسان را تحت سرسپردگی خود در می‌آورد و آزادی او را محدود می‌کند، تعلقات درونی و وابستگی‌های روحی انسان است. انسان باید حتی از خود نیز آزاد باشد تا بتواند بدون هیچ گونه مانعی روح اراده و استعدادها را خود در همه زمان‌ها و مکان‌ها به پرواز درآورد و در راه رشد، تعالی و تکامل به جایی رسد «که به جز خدا نبیند». در واقع، آزادی از تعلقات درونی موجب تکامل و تعالی و سعادت انسان می‌شود. در اندیشه امام (ره)، آزادی حقیقی، آزادی درونی، رهایی از قید نفس و سیر به سوی کمال است و آزادی بیرونی تا جایی می‌تواند برای ایشان، اولویت داشته باشد که زمینه‌ساز این آزادی درونی گردد (قاضی زاده، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۹۶).

در این باره امام (ره) می‌فرماید: «شما باید خودتان را بسازید، بعد ملت را بسازید... تهذیب نفس، وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا که سر منشأ همه کمالات، وارسته شدن نفس از تعلقات است و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است...» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۲۶۷).

امام آزادی و هر مقوله سیاسی دیگر را تا جایی به رسمیت می‌شناسد که در مسیر تحقق فلسفه نهایی اسلام، یعنی سعادت دنیوی و اخروی و به عبارت دقیق‌تر، همان آزادی درونی و سیر به سوی کمال باشد: «ما آزادی که اسلام توی آن نباشد، نمی‌خواهیم... آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟» (همان، ج ۷، ص ۴۵۹).

در مکتب اسلام، کنترل نفس و مراقبت انسان از خویشتن، یک اصل بنیادی برای همه انسان‌ها و در تمام کارها است؛ انسان در اندیشه اسلامی، نه فقط از سلطه بیگانه و تحقیر و استثمار اجنبی آزاد است، بلکه حتی به معنای عرفانی با آزادی از سلطه نفس اماره و هواهای شیطانی، از هر چیزی که رنگ تعلق پذیرد، محفوظ است.

۵. عدم خودکفایی

امام خمینی (ره) بر این باور است که اگر خودکفایی نباشد، به آزادی حقیقی نخواهیم رسید: «اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید، باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفا و بی‌نیاز باشید...» (همان، ج ۱۰، ص ۴۳۵).

۶. تقلید کورکورانه

از دیدگاه امام خمینی (ره)، تقلید کورکورانه، یکی دیگر از موانع آزادی است: «آنان [استکبار] ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرئت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۴-۴۱۵).

۷. بی‌عدالتی

در جامعه‌ای که عدالت وجود ندارد، تبعیض حاکم است و تبعیض منشأ عمده فسادها، اختلافات و هرج و مرج‌ها در جامعه است. جامعه مبتنی بر تبعیض، جامعه نامتعادل و ناهمگون است. در چنین جامعه‌ای افراد نمی‌توانند به آزادی‌های مشروع خود دست یابند.

آزادی با تمام انواعش از عدالت سرچشمه می‌گیرد. عدالت است که فرد را آزاد ساخته و به افراد اجتماع در روابط و مناسباتی که با هم دارند، آزادی داده و نیز عدالت است که در سیاست، اقتصاد، اندیشه و دیگر کارها به انسان آزادی بخشیده است. در طول تاریخ، هر گاه انسان‌ها از آزادی محروم شده‌اند، از بی‌عدالتی بوده است. به زندان رفتن آزادی‌خواهان و آواره‌شدن آنها از وطن و کشته شدن مردان خدا از امامان معصوم تا افراد عادی، همه از بی‌عدالتی حاکمان و زمامداران خودرأی بوده است (شریعتمدار جزائری، ۱۳۸۰، ص ۷۸). به عقیده امام(ره)، عدالت به گونه‌ای است که با تحقق آن، اهداف دیگر از جمله آزادی، استقلال و رفاه، نیز تحقق می‌یابد و بدین سان، آزادی در پرتوی عدالت شکل می‌گیرد: «عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی، همه و همه، در آزادی، استقلال و رفاه خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۱۵).

ج. هدف آزادی

مؤلفه سوم آزادی، بیانگر هدفی است که برای رسیدن به آن، انسان (به عنوان مؤلفه اول) از دخالت موانع (به عنوان مؤلفه دوم)، آزاد و رهاست. در اینجا نیز لازم است با مراجعه به بیانات و نقطه نظرات حضرت امام خمینی(ره)، برخی از اهداف آزادی انسان را بیان کنیم:

۱. رشد انسان

«این آزادی که الان برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسنده‌ها، این آزادی، آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شماست... تمام چیزهایی که در رشد انسان، در رشد خواهرها و برادرها و این کودک‌های عزیز دخالت دارد، اینها همه آزاد هستند. آنچه که اسلام جلوی او را گرفته و آزاد نیست، قماربازی است که ملت را تباه می‌کند...» (همان، ج ۱۰، ص ۱۸۸).

۲. آزادی، وسیله خدمت به خلق و خالق

«آیا ما بندگان خدا به طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است، رفتار می‌کنیم، حالا که آزاد شدیم، آزادی را وسیله برای خدمت به خلق و خدمت به خالق قرار می‌دهیم، یا آزادی را برای مخالفت با خدا و استکبار مردم؟» (همان، ج ۷، ص ۴۸۹).

۳. رهایی از قید استعمار

«... با همه فشارها و قلدری‌ها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار است...» (همان، ج ۳، ص ۱۰۱).

۴. برجیده شدن فشار و اختناق

«جامعه آینده ما، جامعه آزادی خواهد بود و همه نهادهای فشار و اختناق و همچنین استثمار از میان خواهد رفت» (همان، ج ۴، ص ۳۵۹).

۵. رسیدن به سعادت حقیقی که آن قرب الی الله است.

نقش نهادها در تأمین و حفظ آزادی

تأمین آزادی در حوزه زندگانی اجتماعی و سیاسی و همچنین حفظ آزادی در حریم خصوصی زندگی، یکی از بزرگ‌ترین آرزوها و آرمان‌های انسانی تلقی می‌شود و تحقق این امر، در گروی ضمانت‌های کارآمد و نهادینه شده‌ای است که توانایی حفظ و تأمین آزادی

را به صورتی کامل و همه جانبه داشته باشند. حال سؤال این است که چگونه می‌توان از این حقوق پاسداری نمود؟ به نظر نگارنده، با توجه به اندیشه امام خمینی(ره)، می‌توان چنین برداشت نمود که در تأمین و حفظ آزادی، برخی از نهادها نقش مؤثر و بنیادی دارند. در این قسمت، با توجه به بیانات و آثار حضرت امام(ره)، به برخی از نهادهایی که در تأمین و حفظ آزادی نقش دارند، پرداخته می‌شود.

الف. حکومت

حکومت از جمله نهادهای اساسی و ضروری جامعه است؛ چرا که با وجود حکومت است که جامعه از هرج و مرج و بی‌نظمی نجات پیدا می‌کند و شهروندان می‌توانند به آزادی‌های مشروع خود برسند؛ البته نه هر حکومتی. حکومتی می‌تواند آزادی‌های مشروع و قانونی مردم را تأمین و حفظ کند که ویژگی‌هایی داشته باشد. این ویژگی‌ها با توجه به بیانات و آثار امام در ادامه بیان می‌شود.

ویژگی‌های حکومت از دیدگاه امام خمینی(ره)

۱. حاکمیت قانون

به اعتقاد اندیشمندان علوم سیاسی و حقوق، نخستین شرط و مهم‌ترین شرط تحقق و تضمین حقوق و آزادی‌های افراد در جامعه و اجتماع سیاسی، استقرار نظام سیاسی بر اساس قانونی است که در آن، حقوق و آزادی‌های انسان اعلام و به رسمیت شناخته شده و مکانیسم اجرای آنها مشخص شده باشد. همواره بزرگ‌ترین خطر و تهدید برای آزادی از طرف قدرت سیاسی و نظام حاکم بر جامعه بوده است و امروزه مهم‌ترین اهرم محدودکننده قدرت، وجود قانون است (تمیمی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۷).

می‌توان گفت که اصل حاکمیت قانون از مهم‌ترین روش‌های تحقق و تضمین آزادی در جوامع انسانی است. حاکمیت قانون یک مفهوم عام و فراگیر است که شامل کلیه قوای حکومتی می‌باشد، به این معنی که تمام فعالیت‌های عمومی، اعم از قانون‌گذاری، قضایی، اجرایی و اداری، تابع قانون هستند و افراد می‌توانند با مراجعه به مراجع قضائی صلاحیت‌دار از تخلف و تخطی آنها جلوگیری کنند (همان، ص ۳۱۳).

در اصطلاح حقوقی، نظامی که بر پایه اصل حاکمیت قانون باشد، رژیم قانون یا حکومت قانون نامیده می‌شود و می‌توان گفت برقراری حکومت قانون، اصلی‌ترین مؤلفه یک جامعه مدنی و تضمینی اساسی برای تأمین حقوق و آزادی‌های افراد است (همان).
قانون برای اینکه حکومت کند، باید دارای خصوصیات باشد، از جمله:

۱. قانون باید قاعده‌ای باشد که در آن از موارد جزئی یا افراد خاص، حرفی نیامده باشد و از قبل برای تطبیق بر کلیه موارد و همه افراد به طور مطلق وضع شده باشد.

۲. قانون باید مشخص و روشن باشد.

۳. قانون نباید عطف به ماسبق شود (جمشیدی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

حاکمیت قانون با توجه به ویژگی‌های بیان شده، از جمله روش‌های تضمین، تحقق و تداوم آزادی است؛ به عبارت دیگر، عام و غیر شخصی بودن قانون، تضمینی برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی به شمار می‌آید و تشریفات قانون‌گذاری، تصویب قانون را زیر انتقاد و نظارت افکار عمومی قرار می‌دهد و احتمال هر گونه توطئه یا اقدام شتابزده و یا نسنجیده علیه حقوق فردی را اگر نگوئیم منتفی می‌کند، به حداقل ممکن می‌رساند. همچنین عطف به ماسبق نشدن قانون تضمین دیگری از لحاظ آزادی است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۶-۱۹۷).

حاکمیت قانون در اندیشه امام یک اصل بنیادی است. چنان که می‌فرماید: «ما می‌خواهیم یک حکومتی داشته باشیم که این حکومت قانون را ملاحظه بکند، حکومت قانونی باشد. آن حکومتی که تمام قوانین بشری را زیر پا بگذارد و هر جوری دلش بخواهد

با یک ملّتی عمل بکند، ما با او مخالفت داریم. ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد، مثل حکومت اسلام که غیر از قانون هیچ چیز حکومت نکند، هیچ؛ قانون فقط حکومت بکند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۰۶-۴۰۷).

با توجه به بیانات امام خمینی، می‌توان چنین برداشت کرد که ایشان به منظور جلوگیری از دیکتاتوری بر لزوم حاکمیت قانون و تبعیت از آن تأکید داشتند. منظور امام از حاکمیت قانون و لزوم تبعیت از آن از سوی آحاد ملّت، هم قوانین الهی و هم قوانین موضوعه مدنی است. ایشان در خصوص حاکمیت قانون الهی و تبعیت از آن معتقدند: «حاکم در حقیقت قانون است. همه در امان قانونند، در پناه قانون اسلامند. مردم و مسلمانان در دایره مقررات شرعی آزادند... هر گاه حکومت اسلامی تأسیس شود، همه در سایه قانون با امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ حاکمی حق ندارد بر خلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدمی بردارد» (همو، ۱۳۷۸، ص ۷۳).

از نظر امام خمینی (ره)، مخالفت با اجرای قانون به معنای دیکتاتوری است: «اگر یک جایی عمل به قانون شد و یک گروهی در خیابان‌ها بر ضد این عمل بخواهند عرض اندام کنند، این همان معنای دیکتاتوری است که مکرر گفته‌ام که قدم به قدم پیش می‌رود... اگر قانون در یک کشوری عمل نشود، کسانی که می‌خواهند قانون را بشکنند، اینها دیکتاتورانی هستند که به صورت اسلامی پیش آمده‌اند یا به صورت آزادی و امثال این حرف‌ها» (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۴۱۵).

۲. اصل تفکیک قوا

یکی دیگر از ویژگی‌های حکومتی که بتواند آزادی‌های فردی، اجتماعی و غیره را در جامعه تأمین و حفظ کند، این است که در ساختار حکومت، تفکیک قوا وجود داشته باشد. تفکیک قوا، اصلی است که بر اساس آن اقتدارات حکومتی جامعه به چند قسمت تقسیم می‌شود و هر بخشی از آن در اختیار نهادی از نهادهای سیاسی- اجتماعی قرار می‌گیرد. بدین معنا که به جای اینکه کلیت قدرت سیاسی جامعه در اختیار یک نهاد باشد و از جانب آن اعمال گردد، قدرت سیاسی جامعه به وسیله چند نهاد که در عرض یکدیگر قرار دارند، تحقق خواهد یافت. تفکیک قوا، در اصل نوعی تقسیم کار سیاسی است که به تعبیری جلوی سوء استفاده مستبدان و قدرت‌طلبان را از قدرت عمومی جامعه می‌گیرد. تفکیک قوا باعث افزایش آزادی‌های فردی در جامعه مدنی می‌شود. امام خمینی، اصل تفکیک قوا را بر اساس قانون اساسی ضروری دانسته و عدم مداخله قوا در وظایف یکدیگر را مفروض گرفته‌اند. چنان که خطاب به سران سه قوه می‌فرماید: «فقط سعی کنید هر یک، وظیفه خویش را خوب انجام دهد و در محدوده وظیفه قوای دیگر داخل نشوند تا استقلال هیچ یک از قوا خدشه‌دار نشود...» (همان، ج ۱۳، ص ۶۲).

ایشان درباره اهمیت وجود قوه مجریه معتقدند: «جعل قانون به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. پس از تشریح قانون، باید قوه مجریه‌ای به وجود آید. اگر در یک تشریح یا در یک حکومت، قوه مجریه نباشد، نقص وارد است. به همین جهت، اسلام همان طور که جعل قوانین کرده، قوه مجریه هم قرار داده است» (همو، ۱۳۷۸، ص ۱۴-۱۵).

همچنین ایشان درباره استقلال قوه قضاییه از آن نظر که ملجأ و پناه مردم است، مکرر تأکید نموده و اهمیت آن را به مسئولان گوشزد نموده‌اند: «قوه قضاییه، که ملجأ و پناهگاه مردم ستم‌دیده است، قوه‌ای مستقل است و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد. اگر کسانی پیدا شوند که ندانسته در امور قضایی دخالت می‌کنند، باید بدانند که برخلاف دستورات شرعی و نظام جمهوری اسلامی عمل کرده‌اند و اگر دانسته تخلف می‌کنند، مستحق عقاب و تعقیب هستند» (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۳۳۹).

۳. عدالت

یکی دیگر از ویژگی‌های حکومت مطلوب این است که عدالت‌محور باشد و عدالت در تمام ابعاد آن در جامعه اجرا شود؛ چرا که آزادی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، جزایی و آزادی در تمام انواع و بخش‌ها از عدالت سرچشمه می‌گیرد. عدالت است که فرد را آزاد ساخته و به افراد اجتماع در روابط و مناسباتی که با هم دارند، آزادی داده است و نیز عدالت است که در سیاست، اقتصاد، قضاء، اندیشه و دیگر کارها به انسان آزادی بخشیده است. در طول تاریخ، هر گاه انسان‌ها از آزادی محروم شده‌اند، از

بی‌عدالتی بوده است. به زندان رفتن آزادی‌خواهان و آواره شدن آنها از وطن و کشته شدن مردان خدا از امامان معصوم -علیهم السلام- تا افراد عادی، همه از بی‌عدالتی حاکمان و زمامداران خودرأی بوده است. خداوند عادل است و از روی عدالت خود، انسان را آزاد آفریده و به انسان آزادی داده و اراده و اختیار را در نهاد او قرار داده است (شریعتمداری جزائری، ۱۳۸۰، ص ۹۰). امام خمینی درباره پیوندی که عدالت و آزادی با یکدیگر دارند، چنین می‌گوید: «جمهوری اسلامی، عدل اسلامی را مستقر می‌کند و با عدل اسلامی همه و همه در آزادی، استقلال و رفاه خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۱۵).

امام خمینی(ره)، در این سخن به روشنی بیان کرده است که آزادی از عدالت سرچشمه می‌گیرد و پیوند عدالت و آزادی، پیوند علت و معلول است. «ملت ایران، مسلمان است و اسلام را می‌خواهد؛ آن اسلامی که در پناه آن، آزادی و استقلال است، عدم پایگاه ظلم و فساد است، قطع کردن دست‌های خیانتکار و جنایتکاران است» (همان، ج ۱، ص ۲۵۰).

بدین ترتیب، از نظر امام(ره)، مسلمانان، اسلامی را می‌خواهند که در آن هم آزادی و هم عدالت وجود داشته باشد و پیدایش یکی از آنها بدون دیگری امکان ندارد. حضرت امام خمینی(ره)، طرز حکومتی را پیشنهاد می‌دهند که اساسش بر عدالت، آزادی و استقلال باشد: «طرز حکومتی که ما پیشنهاد می‌کنیم، حکومت جمهوری اسلامی است و اساسش بر آزادی، استقلال کشور، عدل و تعدیل تمام دستگاه‌های دولتی است. وقتی که این عملی شود، دنیا خواهد دید که چیست» (همان، ج ۴، ص ۳۵۴).

ب. خانواده

کانون خانواده، نخستین و مؤثرترین مرکز تربیتی است و آن اندازه که کودک از محیط خانه و اعضای خانواده تأثیر می‌پذیرد، به ندرت از جاهای دیگر اثر می‌پذیرد و می‌توان گفت شخصیت آینده فرد و شاکله افراد، در خانواده شکل می‌گیرد و به خصوص پدر و مادر نقش اول را در تکوین شخصیت و تربیت فرد ایفا می‌کنند (الهامی نیا، ۱۳۸۱، ص ۹۵).

با توجه به چنین اهمیتی، امام خمینی(ره) در بسیاری از موارد، خانواده را به نقش ارزنده و منحصر به فردشان آگاه می‌کرد و مسئولیت خطیرشان را در تهذیب و تربیت فرزندان گوشزد می‌نمود و معتقد بود که با تربیت صحیح فرزندان، استقلال، آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود: «نقش خانواده و به خصوص مادر در نونهالان و پدر در جوانان، بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح، تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال، آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۲۴۵).

البته باید به این نکته توجه کرد که مادران با توجه به جایگاهشان نقش اساسی‌تری نسبت به تربیت فرزندان دارند؛ چرا که این مادران هستند که کودکان را در دامن خود پرورش می‌دهند و می‌توانند درس آزادگی و آزاد زیستن را به گوش آنان نجوا کنند. امام در تبیین نقش مادر به عنوان یک عامل تربیتی فرموده‌اند: «در دامن مادر، بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند، تا در پیش استادان. علاقه‌ای که بچه به مادر دارد، به هیچ کس ندارد و آن چیزی که از بچگی از مادر می‌شنود، در قلبش نقش می‌بندد و تا آخر همراهش است... آن قدری که بچه از مادر چیز می‌شنود، از پدر نمی‌شنود؛ آن قدری که اخلاق مادر در بچه کوچک نوری تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، از دیگران نمی‌شود. مادرها مبدأ خیرات هستند...» (همان، ج ۹، ص ۱۳۶).

نهاد خانواده در ایجاد حس آزادی‌خواهی در کودکان، نوجوانان و جوانان بسیار مؤثر است. به نظر من، می‌توان از همان دوران طفولیت، با همان زبان ساده بچگی، به کودکان آموخت که آزاد بودن و آزاد زندگی کردن یعنی چه؟

برای ایجاد حس آزادی‌خواهی، باید از همان دوران کودکی اعتماد به نفس را در آنان با انتخاب یک شیوه تربیتی مناسب ایجاد کرد. خانواده‌ها باید به فرزندان خود بیاموزند که همه چیز دارند و نیاز به غیر ندارند، نیازی نیست که زیر سلطه غیر بروند. آنان باید بیاموزند که روی پای خود بایستند و مستقل باشند و وابسته به دیگری نباشند. آنان باید بفهمند که سلطه اجانب غیر از اسارت و ذلت چیز دیگری برایشان نخواهد داشت. امام(ره) می‌فرماید: «ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم...» (همو،

۱۳۷۲، ص ۷۳) و نیز می‌فرماید: «فکر این باشیم که خودمان شخصیت پیدا کنیم» (همان). امام بر این باور است که اگر وابستگی‌ها را از خود دور کنیم، می‌توانیم مستقل و آزاد باشیم (همو، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۱۰).

بنابراین، با توجه به فرمایشات امام(ره)، خانواده‌ها باید فرزندان خود را افرادی باشخصیت، مستقل و با اعتماد به نفس کامل تربیت کنند تا هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی آزادی خود را از دست ندهند و زیر سلطه اجانب نروند.

در مباحث قبل بیان کردیم که یکی از موانع آزادی، تعلقات درونی و مذهب نبودن است. از آنجایی که بچه همه چیزش در مادر خلاصه می‌شود و از تمام حرکات، رفتار و اخلاق مادر تقلید می‌کند؛ بنابراین، مادران عزیز باید خود را مذهب کنند و تقوی پیشه نمایند. اگر چنین شود، یقیناً بچه‌هایی که در دامان چنین مادرانی پرورش می‌یابند، انسان‌های آزاده، مستقل و با ایمان خواهند بود که می‌توانند مسیر درست زندگی را انتخاب کنند و هیچ‌گاه زیر سلطه اجانب نروند و همواره برای رسیدن به آزادی حقیقی از جان شیرین خود دست کشند و جانشان را فدای آزادی ملت و کشور خود کنند. مردم مسلمان ایران اسلامی در طی پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین در طول هشت سال دفاع مقدس، این مسئله را تجربه کرده‌اند که از دامان مادران با تقوی و پرهیزگار فرزندان، همچون «حسین فهمیده» تربیت شد که با آگاهی کامل، با عشق به معبودش و برای آزادی ملت و کشور خود، جان شیرینش را فدا کرد. امام خطاب به خانواده‌ها می‌فرماید: «اسلام از شما این معنا را می‌خواهد که بچه‌های خودتان را در دامن‌های خودتان مذهب کنید و دامن خودتان را منور کنید به نور این بچه‌های اسلامی که اینها فرزندان اسلامند و بعد از این، مقدرات اسلام و مملکت خودتان به دست آنهاست» (همان، ج ۷، ص ۲۳۹) و نیز: «بانوان هم باید معلم باشند، برای فرزندان خود، در دامن خود مثل استادان، مثل معلمان تربیت کنند. پدران باید معلم باشند از برای فرزندان خود، خانواده شما باید مدرسه باشد، تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان. شما باید نونهالان مذهب تحویل معلمان بدهید و معلمان باید آنها را بیشتر تهذیب کنند» (همان، ص ۱۶۲).

ج. تعلیم و تربیت

انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خود و برای رسیدن به یک زندگی سعادت‌مند و آزاد نیازمند تربیت هستند. در واقع، می‌توان گفت که هیچ موجودی همچون انسان این قدر محتاج تربیت نیست. امام(ره)، در این باره می‌فرماید: «آن قدر که این انسان، این حیوان دو پا، در عالم فتنه و فساد می‌کند، هیچ موجود دیگری نمی‌کند و آن قدری که این حیوان دو پا محتاج به تربیت است، هیچ حیوانی محتاج نیست» (همو، ۱۳۷۲، ص ۱۸۳).

امام در سخنان خود همواره بر مسئله تربیت، آن هم تربیت صحیح، تأکید داشتند. ایشان معتقد بودند که مدرسه و دانشگاه نباید صرفاً طوری باشد که به کودکان، نوجوانان و جوانان ما علم بیاموزد؛ بلکه آنها باید تربیت هم بشوند: «تربیت کنید! مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد، علم تنها مضر است» (همان، ص ۱۸۴).

نهادهای آموزشی کشور، از جمله مدرسه و دانشگاه باید جوانان را طوری آموزش و پرورش دهند که حس استقلال‌خواهی و آزادی‌طلبی در وجود آنها ریشه دواند؛ چرا که آینده کشور و استقلال و آزادی یک کشور منوط به تربیت صحیح جوانان است. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: «دستگاه‌های آموزشی متعهد و دلسوز برای نجات کشور، اهمیت ویژه‌ای در حفظ نوبیان و جوانان عزیزی که استقلال و آزادی کشور در آینده منوط به تربیت صحیح آنان است، قائل باشند» (همان، ص ۱۸۵).

حضرت امام خمینی(ره)، خطاب به مجلس و ملت می‌فرماید: «مجلس، ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس، از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرند و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند» (همان). در مورد امر تعلیم و تربیت نباید سهل‌انگاری شود؛ چرا که در این صورت، فرزندان کم‌کم دچار بی‌هویتی می‌شوند و استقلال فرهنگی خود را از دست می‌دهند. وقتی استقلال فرهنگی از بین برود، به دنبال آن وابستگی اقتصادی، سیاسی و غیره به وجود خواهد

آمد و در نتیجه، کشور آزادی و استقلال خود را از دست می‌دهد. امام در این باره می‌فرماید: «مسامحه و سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت، خیانت به اسلام، جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌باشد و باید از آن احتراز کرد» (همو، ص ۱۸۴). امام بر این باور بود که اگر بخواهیم به آزادی برسیم، باید فرهنگ اصلاح شود. مسئله فرهنگ در هر جامعه‌ای بسیار مهم است و باید به آن توجه کرد. از نظر امام، اهمیت فرهنگ نخست به دلیل جایگاهی است که در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگر به سبب نقشی است که در پیشرفت یا انحطاط جوامع ایفا می‌کند. در رابطه با جنبه اول، «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد... استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد» (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۲۴۳).

در رابطه با بعد دوم، «فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است» (همان، ج ۱، ص ۲۷۳) و «فرهنگ... بزرگ‌ترین خیری است که یک ملت را به تباہی می‌کشد یا به اوج قدرت و عظمت می‌کشد» (همان، ج ۱۵، ص ۱۶۰). امام می‌فرماید: «اگر ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان بخواهند از دام‌های شیطنت‌آمیز قدرت‌های بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره‌ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند و این میسر نیست، جز با دست اساتید و معلمان متعهدی که به دبستان‌ها تا دانشگاه‌ها راه یافته‌اند» (همان، ص ۴۴۷).

ما برای اینکه به آزادی و استقلال برسیم، باید استقلال فرهنگی داشته باشیم و فرهنگ استعماری را از بین برده و به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنیم. امام از معلمان می‌خواهد که فرزندان را در کلاس‌های درس طوری تربیت کنند که بدانند هر چه بدبختی و وابستگی است، همه از ابرقدرت‌ها و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است: «... ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم که استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است. استادان عزیز باید خود این اعتقاد را بیابند که تنها فرهنگ ایران اسلامی است که نجات‌بخش کشور و ملتمان می‌باشد. معلمان عزیز خود بهتر می‌دانند که فرهنگ استعماری در زمان این پسر و پدر چه به روز این کشور و ملت آورده است. به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست. فرزندان عزیزتان را در سر کلاس‌ها به صورتی تربیت نمایید که وقتی فارغ التحصیل می‌شوند، جوانان برومندی گردند که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه بدبختی داشتند، از ابرقدرت‌ها و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است» (همان، ج ۱۷، ص ۲).

امام (ره) معتقد است که کتاب‌های درسی باید به گونه‌ای تدوین شود که جوانان را آزاده و مستقل بار آورد، ایشان در این باره می‌فرماید: «کتاب‌های درسی دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی را تغییر اساسی داده و از آنچه عکس و مطالبی که به نفع استعمار و استبداد است، تصفیه کنید و دروس انقلابی - اسلامی که بچه‌های ما را بیدار و جوانان را مستقل و آزاده بار آورد جایگزین آن کنیم» (همان، ج ۶، ص ۱۹۶). همچنین ایشان خطاب به اساتید محترم دانشگاه‌ها می‌گوید که اگر بخواهیم به آزادی و استقلال برسیم، باید جوانان را خودباور بار بیاوریم و باید تعلیم همراه تربیت باشد.

از دیگر نهادهای اجتماعی که در تعلیم و تربیت افراد نقش مؤثری دارد و می‌تواند افراد جامعه را آزاده‌طلب بار بیاورد، رسانه‌های گروهی، از جمله رادیو، تلویزیون و مطبوعات می‌باشد. امام خمینی (ره)، پیرامون نقش تربیتی صدا و سیما فرمود: «اهمیت رادیو و تلویزیون بیشتر از همه است؛ این دستگاه‌ها، دستگاه‌های تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند. یک دانشگاه عمومی است... یعنی دانشگاهی است که در تمام سطوح کشور گسترده است... باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال، تمام اقشار ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد. تمام اینها را مستقل بار بیاورد. آزادمنش بار بیاورد. از غرب‌زدگی بیرون کند، استقلال به مردم بدهد» (همان، ص ۳۹۹). رسانه‌های گروهی، از جمله رادیو و تلویزیون می‌توانند نقش تربیتی خوبی داشته باشند و از طریق پخش برنامه‌های سالم و سازنده، روح استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی را در افراد جامعه ایجاد کنند.

امام (ره) می‌فرماید: «رسانه‌های گروهی، به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمات‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلامی و ایران نمایند. بنگاه‌هایی که شب و روز در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه‌ها، نمایشنامه‌ها، انعکاس هنرها، انتخاب فیلم‌ها و هنرهای آموزنده

باید همت گمارند و بیشتر کار کنند و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کند» (همان، ج ۱۹، ص ۱۵۹).

د. دین

یکی دیگر از راه‌های تأمین آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره)، دین است. دین اسلام، یک دین کامل و جامع است و برای تمام زوایای زندگی بشر دستوراتی دارد که اگر انسان‌ها به این آموزه‌ها و دستورات توجه کرده و آنها را در زندگی خود پیاده کنند، به طور قطع به سعادت دنیوی و اخروی خواهند رسید. از جمله مسائلی که دین اسلام به آن توجه کرده، آزادی انسان‌ها است. حضرت امام (ره) بر این باور است که انسان‌ها با دین اسلام می‌توانند آزاد باشند و در واقع، اسلام است که برای ما آزادی آورده است: «توجه و ایمان به خدا باعث می‌شود که تمام تاریکی‌ها از پیش پای مؤمنان برداشته شود و آنان از تمام انواع ظلمت‌ها، استبداد، اختناق، وابستگی به غیر و ظلم نجات پیدا کنند و وارد در نور آزادی شوند» (همان، ج ۷، ص ۱۳۵). از نظر ایشان آزادی، از بنیادهای دین اسلام است (همان، ج ۴، ص ۲۴۲). همچنین می‌فرماید: «شما بدانید که با اسلام می‌توانید مستقل باشید و با اسلام می‌توانید آزاد باشید. قرآن شما را آزاد قرار داده است و قرآن استقلال شما را بیمه کرده است» (همان، ج ۷، ص ۲۴) و نیز: «اسلام است که برای ما آزادی، یک آزادی سالم، آزادی صحیح تأمین می‌کند» (همان، ص ۵۴۲).

از نظر امام (ره)، در سایه دین اسلام است که آزادی انسان می‌تواند تأمین و حفظ شود: «اسلام دین آزادی و استقلال است، اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند» (همان، ج ۶، ص ۵۲۶). همچنین می‌فرماید: «اسلام مکتبی است که انسان‌ها را به گونه‌ای می‌سازد که به جز حق و مبدأ خلق به هیچ مکتبی تسلیم نشوند و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نگردند و مسئله کشور خود را با هیچ انگیزه‌ای از دست ندهند و از استقلال و آزادی خویش و سایر بندگان خدا بی‌هیچ طمع و خوفی دفاع کنند» (همان، ج ۱۵، ص ۲۶۸).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، ابتدا به مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره) و سپس به تبیین دیدگاه امام (ره)، درباره فاعل، مانع و هدف آزادی به عنوان سه مؤلفه اساسی آزادی پرداخته شد. در ادامه، نقش برخی از نهادها در تأمین و حفظ آزادی بررسی شد، مانند: حکومت قانون‌گرا و عدالت‌محور، که می‌تواند آزادی‌های مشروع و قانونی افراد جامعه را تأمین و حفظ کند. دومین نهاد، خانواده است که نخستین و مؤثرترین مرکز تربیتی می‌باشد. خانواده‌ها برای ایجاد حس آزادی‌خواهی فرزندان باید از همان دوران کودکی، اعتماد به نفس را در آنان ایجاد و تقویت کنند و آنان را افرادی مذهبی، باایمان و مستقل تربیت نمایند؛ در این صورت است که آنان هیچ‌گاه زیر سلطه اجانب نخواهند رفت و در راه آزادی ملت و کشور خود حتی جان شیرین خود را فدا می‌کنند. سومین نهاد مورد بررسی ما، تعلیم و تربیت بود، که در این قسمت، نقش نهادهایی چون مدرسه، دانشگاه، صدا و سیما در ایجاد روحیه آزادی‌طلبی و استقلال‌خواهی بررسی شد. در مجموع، می‌توان گفت که کودکان و جوانان باید از طریق مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های گروهی بیاموزند که آزادند و در عین حال، حداقل یک بار در دوران تحصیل در جامعه با نظارت مربیان، معلمان و اساتید، آزادی را تجربه کنند. برای تحقق آزادی سیاسی، تجمعات قانونی را تمرین کنند و خواسته‌های خود را در قالب و تشکیلات دانش‌آموزی و دانشجویی تعقیب نمایند. البته اگر مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های گروهی و به طور کلی، همه عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت در راستای هم و به

صورت مکمل در یک برنامه عمل کنند، محصول آن، تقویت روحیه آزادی‌طلبی و تولید فرهنگ خواهد بود. آخرین نهادی که بررسی شد، نهاد دین بود. امام خمینی بر این باور است که دین اسلام، یک دین کامل و جامع است و برای تمام زوایای زندگی بشر دستوراتی دارد. از جمله مسائلی که دین اسلام به آن توجه کرده، آزادی انسان‌ها است. با دین اسلام است که انسان‌ها می‌توانند به آزادی حقیقی دست یابند. دین اسلام، برای نهادهایی چون خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت دستوراتی دارد که اگر این نهادها به این دستورات و آموزه‌های دینی توجه کنند و آنها را به کار گیرند، مطمئناً می‌توانند در ایجاد و حفظ آزادی‌های مشروع بسیار مؤثر باشند.

پینوشت

1. Mac Callum
2. Concept
3. Conceptions

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. الهامی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۱)، سیره اخلاقی - تربیتی امام خمینی، تهران: انتشارات تحسین، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۴. اخلاقی، مرضیه و شایسته، شریعتمداری (۱۳۸۵)، انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. تمیمی، رقیه (۱۳۸۶)، بررسی مفهوم آزادی و قانون در اندیشه امام خمینی، جان لاک، منتسکیو، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۵)، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۷۶)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، چاپ شانزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. _____ (۱۳۷۸)، ولایت فقیه، چاپ نهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. _____ (۱۳۷۲)، کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. _____ (۱۳۷۹)، صحیفه امام، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. _____ (۱۳۷۸)، صحیفه امام، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. شریعتمداری جزائری، نورالدین (۱۳۸۰)، «آزادی و عدالت در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۵.
۱۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۵)، مردم‌سالار دینی، ۳ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. واسعی، علیرضا (۱۳۷۹)، «سیاست و حکومت در رویکرد امام به سیره پیامبر»، حوزه، ش ۹۸.